**مسجد میعادگاه منتظران انقلابی**

**ایجاد انگیزه**

مسجد خانه‌ی خدا، مجلس و جايگاه پيام‌آوران بزرگ الهى و خانه همه‌ی تقواپيشگان است: «المساجد المجالس الآنبياء»؛1 «المساجد بيوت المتقين».2 مسجد متعلق به خداوندی است که سرچشمه‌ی تمامى عظمت‌ها و بزرگي‌هاست: «و ان المساجد لله»3

ساختن و آبادان کردن اين جايگاه ارجمند، علاوه بر آنکه نشان‌دهنده‌ی ايمان است، انحصاراً در قلمرو صلاحيت مؤمنان قرار گرفته است.

پیشینه‌ی مسجد با تاريخ دين پیوند خورده است؛ مخصوصاً دين اسلام که از شروع بعثت رسول اکرم (ص)، حرکت‌ها و فعاليت‌ها از درون مسجد صورت گرفته و مسجد پايگاه عبادت و ياد خداوند متعال و خاستگاه جهاد فکرى و تعليم و تعلم معارف اسلامى قرار گرفته است. همچنين پايگاه تجمع رزمندگان و اعزام آنان به جبهه و مرکز وحدت مسلمانان و نمايش وحدت و يکپارچگى اسلام بوده و در تمامی اعصار، نقش خود را به بهترین شکل ممکن ايفا کرده است.

در عصر غيبت، افزون بر این وظايف، يک وظيفه مهم ديگر نیز بر عهده‌ی مسجد قرار گرفته و آن زمينه­سازى برای حضور حضرت امام زمان (عج) است. مؤمنان با حضور همه‌روزه در مسجد، علاوه بر نمایش پيوستگى و همبستگى، جامعه‌ی اسلامى را براى ظهور آن امام غایب نیز آماده مي­کنند و از اين طریق، اميدهاى دشمنان اسلام را به نااميدى مبدّل مي­کنند. مؤمنان در مساجد، ضمن آشنایی با تهدیدهایی که متوجه اسلام و مسلمانان است، براي مقابله با اين خطرها چاره­ مى‌اندیشند و به این وسیله، زمينه‌ی ظهور امام زمان (عج) را فراهم می‌آورند.

**اقناع اندیشه**

مسجد، يک نهاد سياسى پر تحرک در جامعه اسلامى است. در ابتدای پیدایش حکومت سياسى اسلام و ابقای آن، مسجد تأثیر بسزایی داشته است. سياست با مساجد آميخته است؛ همان‌طور که احکام و مقررات دينى با آميزه­هاى سياسى همراه و همزاد است. گواه این ادعا آنکه مرکز اداره حکومت اسلامى در زمان حضور پيامبر (ص) در مدينه، مسجد بود و از مسجد حکومت تازه‌تأسيس اداره مي­شد.

در ادامه، جهت تبیین ارتباط مسجد با حکومت، سيره اهل بيت را مرور مي­کنيم.

**1.** **آغاز حکومت اسلامى و اداره آن از مسجد:** در سال‌هاى آغازين مبعث، پيامبر اکرم مسجدالحرام را سنگر تبليغى و ارتباطى پيشبرد رسالت خويش قرار دادند. با وجود سخت‌گیری‌های قريش و کفار، هر گاه مجال مي­يافتند، در مسجدالحرام با بعضى از هيئت‌ها مذاکره مي­کردند. پس از هجرت به مدينه، بى‌درنگ مسجدالنبى را بنا نهادند که مرکز فعاليت‌هاي تبليغى، فرهنگى، اجتماعى و سياسى مسلمانان شد.

اين نهاد مقدس قلب تپنده‌ی حيات سياسي و اجتماعى مسلمانان بود. فعالیت‌های پيامبر اکرم در مسجد عبارت بود از: قضاوت، مذاکرات و گفتگوهاي سياسى با افراد و هيئت‌هاى اعزامى از قبایل گوناگون و بستن پيمان بيعت با تازه‌مسلمانان. به اين ترتیب در صدر اسلام مسجد مظهر اقتدار سياسى حکومت اسلامى شد و به عنوان مهم‌ترين نهاد حکومتى پيامبر (ص) مطرح گشت.

**2. مسجد مرکز فعاليت‌هاى حضرت على (ع):** پس از رحلت رسول خدا (ص)، با وجود تلاش در جهت انزوای امیرالمؤمنین (ع)، آن حضرت براى به جا آوردن نماز در مسجد حضور مي­يافتند و در مواردی به پرسش‌هاى مسلمانان پاسخ مي­گفتند. عمر بن خطاب گفته است: «لا يفتين احد فى المسجد و علی حاضر؛4 هيچ‌كس حق ندارد با حضور على در مسجد فتوى دهد». اين سخن نشان مي­دهد که ايشان در دوران حکومت غاصبان خلافت و خلفای غاصب، براي حل مشکلات مسلمانان در مسجد حاضر مي­شدند.

در جریان هجوم به خانه‌ی وحی جهت بيعت، امیر مؤمنان فرمودند: «اکنون که قرار است اين کار انجام گيرد، بايد در مسجد و در حضور مردم باشد؛ زيرا بيعت با من نبايد مخفيانه انجام شود».5

پس از پذیرفتن خلافت ظاهرى نیز مسجد را محل اخذ بيعت از مردم قرار دادند و در مدينه و کوفه، مرکز تبليغ معارف و روشنگرى مردم توسط آن حضرت، مسجد بود. قضاوت، رسیدگی به امور جنگ و برخی کارهای حکومتی را در مسجد انجام مي‌دادند. البته از وعظ و سخنرانى نیز غافل نبودند و در مساجد مدینه، کوفه و بصره به ایراد وعظ و سخنرانی می‌پرداختند.

**3. مسجد و ظهور امام زمان (عج):** شروع حکومت جهانى حضرت مهدى (عج) از مسجد خواهد بود. حضرت حجت (عج) در آغاز کار با ياران اندکى از مسجدالحرام ظهور مي­کند.6 امام باقر (ع) فرمودند: «همانا قائم ما از راه کوه ذى طوبى با 313 مرد به عدد رزمندگان جنگ بدر مي­آيد تا اينکه به حجر الاسود تکيه داده و پرچم پيامبر (ص) را مي‌افرازد». بنا بر اين روايت شروع نهضت جهانى حضرت مهدى (عج) از مسجدالحرام است.

**د) مسجد و اداره حکومت امام زمان (عج):** بنا بر روايات، مقر حکومت عادلانه حضرت مهدى (عج)، مسجد کوفه خواهد بود. امام صادق (ع) فرمودند: «زماني که قائم ما قيام نمايد، زمين به نور الهى روشن و درخشان مي­گردد، به گونه­اي که مردم از پرتو خورشيد بي­نياز مي­شوند و عمر مردان در زمان حکومت او چنان طولانى مي­شود که براى هر مرد هزار فرزند متولد شود، که در آنها دختر نباشد. وى در نجف مسجدى مي­سازد که داراى هزار در است و خانه­هاى کوفه به نهر کربلا و به حيره متصل گردد تا جایى که اگر کسى در روز جمعه در حالي که بر استري چابک و لاغر سوار شود و آهنگ آن ديار نمايد تا نماز جمعه را درک کند، موفق نمي­شود».

ساختن مسجدى در نجف با هزار در، نشانه عظمت و آبادى مسجد کوفه و رونق آن است. مطمئناً‌ جمعیت فراوانی به مسجد کوفه سرازیر می‌شود که برای آن هزار در قرار می‌دهند.

البته آبادانی و رونق، به مسجد کوفه منحصر نمی‌شود و تمام مساجد دنیا در حکومت مهدوی، آیاد و پر رونق خواهند شد.

این حرکت امام زمان (عج) ـ یعنی قرار دادن مسجد کوفه جهت مرکز حکومت ـ نشان می‌دهد که آن حضرت در محل اداره حکومت، روش پيامبر (ص) و على بن ابى طالب (ع) رادر پیش خواهد گرفت.

بنا بر برخی روايات، امام زمان (عج) پس از کوفه به طرف قدس حرکت خواهد کرد و پس از شکست دادن يهود، مسجد بيت المقدس را از نو خواهد ساخت: «خليفه­اى از بنى هاشم فرود مي­آيد که زمين را از عدل و داد پر مي­کند و عبارت بيت المقدس را به گونه­اي مي­سازد که همانندش ساخته نشده باشد». عبارت «عمارت بيت المقدس را به گونه‌اى مي­سازد که همانندش ساخته نشده باشد» مبیّن این است که قائم آل محمد (ص) قدس را از چنگال صهیونیست‌ها نجات می‌دهد. از آنجا که حکومت مهدوی، حکومت عدل و داد و رفاه بشر است، می‌توان دریافت که مسجد جایگاهی اساسی در شیوه‌ی حکومت‌داری حضرت مهدی (ع) دارد.

**نتيجه**

انتظار ظهور امام زمان (عج)، بهترين عبادت‌ها محسوب شده است؛ چنان‌که رسول اکرم (ص) فرمودند: «افضل العبادة انتظار الفرج؛ برترين عبادت‌ها انتظار فرج است». مسجد محل عبادت است؛ پس مسجد در نیز بايد منتظر امام زمان (عج) بود. مسجدی که از آن رنگ و بوی انتظار به مشام نرسد، مسجدی بی‌روح است؛ چراکه انتظار همچون جانی در کالبد عبادات است.

**تحریک احساسات**

یکی از کارهای مهم حضرت پس از ظهور، انتقام گرفتن از ظالمانی است که به خاندان نبوت جفا کردند و اجر رسالت را با غصب حق خاندانش به آن حضرت دادند. خاندانی که ثقل قرآنند و حضرت رسول در موردشان سفارش‌های بسیاری کرده بود، پس از پیامبر مورد بی‌مهری مردم قرار گرفتند.

**پی‌نوشت**

1. مستدرك الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

2. همان، ص362.

3. جن: 18.

4. ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه،‌ ج 1، ص 4.

5. تاريخ طبري، ج ۶، ص ۲۲۳۸.

6. علي كوراني، عصر ظهور، ص ۲۱۵.